



## "تحریمی که

## تحریم نیست!"

این روزها در چهارچوب مناقشه اتمی جمهوری اسلامی با قدرتهای غربی شاهد بالا گرفتن زمزمه های "تشدید تحریم" جمهوری اسلامی توسط آمریکا و اروپا در شورای امنیت سازمان ملل هستیم. مطابق این گزارشات دولت آمریکا در صدد است که برای "فشار" به جمهوری اسلامی با همکاری دولت‌های آلمان و فرانسه قطعنامه چهارمی را برای تحریم جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل ببرد و در این مسیر با آگاهی از مخالفت چین و اکره روسیه در تلاش برای جلب موافقت آنهاست.

البته تبلیغات جاری حول تصویب قطعنامه چهارم در شرایطی است که همگان به عین دیدند که تصویب ۲ قطعنامه پیشین به گونه ای که تبلیغ می شد نه تنها تغییری در وضعیت و رفتار ضد خلقی جمهوری اسلامی نداده بلکه باعث شده تا این رژیم، با آگاهی به ماهیت اینگونه قطعنامه ها در مقابل "فشارهای" ادعایی دول غربی به کار خود ادامه دهد.

علاوه بر این، همه می دانند که جمهوری اسلامی در طول ۲۰ سال گذشته و مدت کوتاهی پس از به قدرت رسیدن اش تاکنون ظاهراً در معرض "تحریمهای اقتصادی" یکجانبه آمریکا قرار داشته و دولت آمریکا در برخی از رشته ها حتی کمپانی ها و دولتهای

دیگری که با ایران مراودات اقتصادی داشته اند را مورد جرمه و تحریم قرار داده است. اما برغم تصور بسیاری از ساده اندیشان که می پندارند غرب و بویژه آمریکا با تحریمهای اقتصادی در صدد تضعیف و برانداختن جمهوری اسلامی است، تجربه و سابقه تحریمهای فوق نشان داده که اصولاً این تحریمها نه با هدف تضعیف جمهوری اسلامی سازمان داده شده اند و نه اصولاً در حدی بوده اند که به مشکلی برای بقای این رژیم بدل کردند. بر عکس نتیجه فوری این تحریمها سرازیر شدن سودهایی هر چه سرشارتر به جیب امپریالیستها و انحصارات جهانی بوده است که با استفاده از مکانیزمهای دیگر کالا های خود را به ایران ارسال نموده و منافع اقتصادی خود را با هزینه ای چند برابر بر دوش مردم ایران تحمیل نموده اند. در همان حال بلحاظ استراتژیک نیز تبلیغات مربوط به تحریم، با پوشاندن لباس ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی به سران مزدور جمهوری اسلامی و "دشمن" نشان دادن این رژیم با امپریالیستها، در جهت سرکوب انقلاب و انحراف مبارزات توده های تحت ستم ایران و منطقه به کار می آید.

اکنون با توجه به فضایی که در اثر بالاگرفتن امکان طرح قطعنامه چهارم تحریم توسط آمریکا و شرکا در شورای امنیت سازمان ملل بر علیه جمهوری اسلامی بوجود آمده، بد نیست تا به گوشه ای از واقعیت این "تحریمها" نیز اشاره شود تا هر چه بیشتر معلوم شود که اصولاً این تحریمها نه برای تضعیف رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بلکه به دلایل دیگری و از جمله برای تضمین منافع هر چه بیکران اقتصادی برای انحصارات امپریالیستی طراحی شده و در همان حال ابزاری برای رقابت های فی مابین دولتهای امپریالیستی به منظور کسب بازارهای هر چه بیشتر در ایران به ضرر سایر رقیب است.

در صفحه ۲

## هراس حکومت از گسترش خرید و فروش سلاح

مقامات جمهوری اسلامی از گسترش خرید و فروش اسلحه در استانهای آذربایجان غربی و شرقی اظهار "نگرانی" کرده اند. اخیراً سایت پرچم با اشاره به "رونق پدیده فروش سلاح" در استانهای مزبور نوشت که "با افزایش تحرکات ضد انقلاب در مرزهای شمال کشور، ورود اسلحه به کشور حالتی نگران کننده پیدا کرده است."

به گزارش این سایت "با افزایش خرید و فروش سلاح در استانهای آذربایجان و کردستان " هم اکنون" بروشورهای شکیل و رنگی در میان مردم یافت می شود که مدل و قیمت انواع سلاح در آن نوشته شده است". نکته دیگری که در این گزارش قابل توجه می باشد عبارت از گسترش خرید و فروش اسلحه در میان نوجوانان و جوانان در مدارس است. سایت پرچم که یکی از سایت‌هایی است که در چهارچوب مقررات رژیم فعالیت می کند در این رابطه نیز نوشته است که "بروشورهای اسلحه" حتی "به مدارس این استانها راه پیدا کرده و مشاهده شده که اسلحه هایی مانند کلت که قبل از این به قیمت ۸۰ هزار تومان فروخته می شد در این مدارس و در میان نوجوانان با قیمت ۲۰ هزار تومان عرضه می شود"

لازم به ذکر است که در ماه های اخیر و بویژه پس از سرکوب وحشیانه خیزش توده ای در شهرهای مختلف توسط ماشین سرکوب جمهوری اسلامی، گرایش به دستیابی و تهیه سلاح بویژه در میان جوانان مبارز رشد کرده و در همین رابطه بطور مثال در شهر کرج گزارشاتی در مورد گسترش خرید و فروش سلاح در میان مردم منتشر شده است.



اقدام در زمان ریاست جمهوری جرج بوش و باراک اوباما رخ داده است. رادیوی آلمانی به نقل از نیویورک تایمز اضافه می کند: "شرکت‌هایی که کمک‌های مالی دولت آمریکا را دریافت کرده‌اند، بیشتر شرکت‌های چندملیتی آمریکایی یا خارجی بوده‌اند که با بخش‌های محوری اقتصاد ایران مراددهی تجاری داشته‌اند. قراردادهای میان دولت آمریکا در سال ۲۰۰۰ میلادی، دوران ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش و همچنین در دوره‌ی زمامداری باراک اوباما با این شرکت‌ها بسته شده است و ارزش آنها دست‌کم بالغ بر ۱۰۷ میلیارد دلار می‌شود" نکته مهم دیگر این گزارش این است که "دو سوم اعتبارات مالی دولت آمریکا" برای شرکت‌هایی در نظر گرفته شده که در "بازار انرژی" ایران یعنی نفت و گاز مشغول به فعالیت می‌باشند. بنابر این ما می‌بینیم که درست در شرایطی که بلندگوهای تبلیغاتی عوام‌فریب آمریکا گوش فلک را در مورد با صلاح اعمال تحریم و فشار بر موسسات و ارگان‌های جمهوری اسلامی که باصلاح در گسترش "تروریسم" دست دارند (نظیر سپاه پاسداران) کر کرده و در شرایطی که همه می‌دانند که در سال‌های اخیر بر حیطه نفوذ شرکت‌های حقوقی وابسته به سپاه و "بیت رهبری" در امر تسلط بر درآمدهای نفت و گاز و قراردادهای انرژی به نحو چشمگیری افزوده شده آنگاه می‌توان به حقیقت "تهدیدات" و "تحریم‌های" امپریالیسم آمریکا بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بیشتر پی برد.

جالب آن که مطابق گزارش فوق از بیش از صد و هفت میلیارد دلاری که دولت‌های بوش و اوباما بابت مرادده کاری و تجاری شرکت‌های مختلف هزینه کرده‌اند، پانزده میلیارد دلار به شرکت‌هایی داده شده است که با سرپیچی از تحریم‌های آمریکا، در ایران سرمایه‌گذاری‌های بزرگ کرده و به اصطلاح به ایران کمک کرده‌اند تا حوزه نفت و گاز خود را توسعه دهد. البته معنای واقعی این توسعه نیز گسترش توان اقتصادی جمهوری اسلامی به نفع مردم ایران نیست، بلکه آنها برای هجوم هر چه گسترده‌تر شرکت‌های نفتی امپریالیستی برای غارت ارزان منابع انرژی ای که به مثابه ثروتهای ملی متعلق به کارگران و توده‌های ستمکش ماست، از این طریق امکانات خود را گسترش می‌دهند.

نکته بسیار مهم دیگر در این گزارش عبارت از آن است که "از میان ۷۴ شرکت" مورد حمایت آمریکا که نام آنان در این گزارش افشا شده، "۴۹ شرکت" هنوز به مرادات خود با جمهوری اسلامی ادامه داده و برغم تشدید جنجال مربوط به "تحریم‌های گسترده‌تر ایران" نمی‌خواهند تا از خوان نعمت چند ده میلیارد دلاری ای که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به قیمت تشدید فقر و گرسنگی و بیکاری میلیون‌ها تن از کارگران و توده‌های ستم‌دیده ما برای آنان در ایران گشوده، چشم پوشی کنند.

در چارچوب این افشاگرها ست که روزنامه آمریکایی وال‌استریت جورنال در تاریخ ۱۱ اسفند ماه اعلام کرد که شرکت "کانتریلار" به عنوان بزرگترین تولیدکننده ماشین آلات صنعتی سنگین و راه سازی اعتراف کرده که "با وجود تحریم‌های آمریکا علیه ایران" محصولات ساخت خود را "از طریق شرکت‌های افقاری در اروپا و واسطه‌ها به جمهوری اسلامی می‌فروخته" است. این شرکت تاکید کرده "این گونه معاملات به طور کامل در چارچوب قوانین تجاری ایالات متحده آمریکا" صورت گرفته است.

رادیوی آلمان با طعنه از ادعاهای دولت آمریکا در ارتباط با تلاش برای تصویب تحریم‌های بیشتر بر علیه جمهوری اسلامی یاد می‌کند و آن را "تحریمی که تحریم نیست" نامگذاری کرده و اضافه می‌کند که "آمریکا در پای بندی به قوانین تحریمی علیه ایران" موفق نیست.

رسوایی اعمال مقامات آمریکایی و عوام‌فریبی‌هایشان در ارتباط با جمهوری اسلامی زمانی بیشتر برجسته می‌شود که بدانیم در چارچوب تضادهای درونی فی مابین

برخلاف تمام تبلیغاتی که در طول ۲۰ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی از سوی سران فریبکار این رژیم سازمان داده شده مردم ما به عینه دیده‌اند که روابط اقتصادی این رژیم با امپریالیستها در حجمی بسیار گسترده‌تر از زمان شاه بین دو طرف همواره جریان داشته و معنی واقعی "تحریم ارسال کالا و فن آوری" به جمهوری اسلامی این بوده است که کالاها و فرآورده‌های امپریالیستی از کانال‌های غیر مستقیم (نظیر دویی و ترکیه) با هزینه‌های بس افزون تر وارد ایران شده و در عوض بخشی از سرمایه‌داران زالو صفت وابسته و اربابان امپریالیستشان به برکت این اوضاع، سودهای نجومی به جیب زده و می‌زنند.

در همین چارچوب روزنامه دی ولت آلمان اخیرا با انتشار مقاله ای ضمن اشاره به "مخالفت دولت و صدر اعظم آلمان با صدور کالاهای غیرمجاز به ایران" نوشته است که "هر چه تحریم‌های ایران بیشتر می‌شود، راه‌های غیر مستقیم تجارت با کشور جذابیت پیدا می‌کند".

### افشای واقعیت "تحریم" ها توسط دست اندرکاران آن!

با توجه به واقعیت‌هایی که در فوق توضیح داده شد، اکنون لازم است به این موضوع مهم توجه شود که در بستر تشدید تضادهای فی مابین دول قدرتمند امپریالیستی برای کسب بازار بیشتر در ایران هر روز اخبار افشاگرانه ای در مورد گوشه‌ای از واقعیت تحریم‌های ادعایی تا کنونی بر علیه جمهوری اسلامی و نقش واقعی دولتهای امپریالیستی در بازار ایران منتشر می‌گردد.

در همین چارچوب روزنامه دی ولت آلمان اخیرا با انتشار مقاله ای ضمن اشاره به "مخالفت دولت و صدر اعظم آلمان با صدور کالاهای غیرمجاز به ایران" نوشته است که "هر چه تحریم‌های ایران بیشتر می‌شود، راه‌های غیر مستقیم تجارت با کشور جذابیت پیدا می‌کند".

این روزنامه سپس اضافه می‌کند که "اتفاق بازرگانی آلمان و امارات، (که یک نهاد نیمه دولتی مورد حمایت وزارت اقتصاد آلمان است) در صدد بوده که واسطه‌ی تجارت میان شرکت‌های آلمانی و ایران شود". که اشاره به امر دور زدن تحریم‌ها و صدور همان کالاها به ایران از طریق دویی، صد البته با قیمتی "جذابتر!" می‌باشد.

از سوی دیگر در ارتباط با گوشه‌ای از منافع بسیار گسترده اقتصادی دولت آلمان در روابطش با رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، به گزارش خبر گزارها، برای اولین بار بروشوری در ماه جولای ۲۰۰۹ در آلمان علنی گشته است که نام ۲۰۰ شرکت فعال آلمانی در ایران را مشخص نموده است. این شرکت‌ها نه تنها در صنایع غیر نظامی بلکه در تامین و توسعه صنایع نظامی و ابزارهای سرکوب و حتی صنایع اتمی جمهوری اسلامی که به برکت ریختن میلیاردها دلار از داراییهای توده‌های تحت ستم و گرسنه ما به حلقوم انحصارات امپریالیستی امکان پذیر شده نیز مشارکت داشته و دارند.

البته مساله تداوم روابط غارتگرانه جمهوری اسلامی با کمپانی‌ها و دول امپریالیستی و در همان حال فریادهای "تحریم اقتصادی"، تنها به آلمان ختم نمی‌شود. رادیوی "دوی چه وله" آلمان با مطلبی تحت عنوان "تحریمی که تحریم نیست" ضمن نقل مطلبی از روزنامه نیویورک تایمز آمریکا، گوشه‌ای از حمایت گسترده مالی دولتهای بوش و اوباما از شرکت‌های آمریکایی یا همان باصلاح شیطان بزرگ در ایران را افشا کرده و از تامین اعتبارات مالی به مبلغ ۱۰۷ میلیارد دلار از سوی دولت آمریکا از سال ۲۰۰۰ به بعد برای این شرکت‌ها پرده بر می‌دارد. مطابق گزارش "دویی چه وه‌له" علی‌رغم تحریم‌ها علیه ایران، آمریکا از شرکت‌هایی که با ایران روابط تجاری داشته‌اند بیش از صد میلیارد دلار حمایت مالی کرده است. این





شهرداری منطقه ۱۶ تهران از تاسیس یک "گرمخانه" با ظرفیت ۱۴۵ نفر در شب در این منطقه خبر داده است. مطابق اظهارات مولایی، معاون اجتماعی شهرداری تهران "گرمخانه بهمن" هر روز در بین ساعت ۷ شب تا ۷ صبح پذیرای بیش از ۱۰۰ تن از افراد گرسنه و بی خانمان می باشد. این خبر در حالی که خود بیانگر آن است که تنها در یک منطقه تهران تعداد کثیری کارتن خواب و بی خانمان وجود دارند که حال رژیم مجبور به پذیرش ۱۰۰ تن از آنها شده است، در همان حال رشد وسیع فقر و فلاکت توده ها تحت نظام استثمار گرانه حاکم و اوضاع اقتصادی شدیداً بحرانی سیستم سرمایه داری وابسته ایران را به نمایش می گذارد.

خبر احداث گرمخانه در تهران در شرایطی ست که گزارشات مربوط به مرگ و میر بی خانمانان در فصل زمستان در خیابانها به رسوایی هر چه بیشتری در افکار عمومی برای دیکتاتوری حاکم بدل شد. تا آنجا که مقامات رژیم برای پوشاندن چهره کربه جمهوری اسلامی به مثابه رژیم حامی نظام استثمارگرانه و ظالمانه سرمایه داری حاکم بر ایران و جلوگیری از سر ریز شدن خشم و نفرت توده ها بر علیه خود، به اقداماتی نظیر احداث این مراکز دست زده اند. البته در جمهوری اسلامی هیچ آمار دقیقی از تعداد بی خانمانانی که در شهر تهران در خیابانها و درکارتن ها شب را به صبح می رسانند و هر از چند گاه خبر جمع آوری اجساد آنها توسط شهرداری در زمستان انتشار می یابد وجود ندارد. اما با توجه به وجود ۴۷ میلیون نفر از توده های تحت ستمی که بنا به آمار مختلف تحت سلطه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در زیر خط فقر زندگی می کنند می توان تا حدودی به ابعاد وسیع فقر و بالتبینه بی خانمانی و بی سرپناهی توده های تحت ستم پی برد.

واقعیت این است که بی خانمانی و کارتن خوابی یکی از زشت ترین و غم انگیز ترین پدیده های مخرب اجتماعی ست که در سالهای اخیر با توسعه مناسبات ضد خلقی نظام سرمایه داری وابسته و سیاستهای ضد مردمی جمهوری اسلامی در گوشه و کنار مملکت و بویژه در شهرهای بزرگ رشد چشمگیری یافته است. این وضع در شرایطی است که به موازات گسترش گرانی و تورم و بیکاری بویژه در میان طبقه کارگر و توده های بی چیز و زحمتکش، ما هر روز بیشتر از قبل شاهد از هم پاشیدگی زندگی خانواده های تهیدست و سقوط آنها به گرداب گرسنگی و بی خانمانی و فقر و فحشا و سایر فجایع اجتماعی می باشیم. کارتن خوابی نتیجه مستقیم مناسبات ضد خلقی حاکم بر جامعه ماست. به همین خاطر این امر بسیار آندوه بار، خشم هر انسان با وجدانی را بر علیه مناسبات استثمارگرانه و ضد خلقی جاری در جامعه تحت سلطه ما بر می انگیزد.



**محافل امپریالیستی، شبکه آمریکایی سی بی اس نیز در یک افشاکری زیر نام "تکنولوژی آمریکایی در نیروگاه اتمی ایران" اعلام کرد" با وجود تحریم های تجاری همه جانبه آمریکا علیه ایران، این کشور توانسته است به وسایل و تکنولوژی (اتمی) ساخت آمریکا دست پیدا کند." در ادامه این مطلب آمده که "شرکت های واسطه این وسایل را به شکل قانونی در آمریکا خریداری کرده و پس از عبور آن از یک کشور ثالث آنها را به ایران می فرستند."**

گزارشات فوق در شرایطی منتشر می شوند که ما شاهدیم اساس حملات تبلیغاتی و عوامفریبانه امپریالیستها بر علیه جمهوری اسلامی را مساله "خطر" تبدیل این رژیم به یک "قدرت اتمی" تشکیل می دهد. اما درست در همان حال می بینیم که قدرتهای امپریالیستی و در راس آنها آمریکا در راه تامین ابزار و وسایل و تکنولوژی اتمی به جمهوری اسلامی (صنعتی که متضمن درآمدهای سرشار برای دولتها و کمپانیهای امپریالیستی ست) با یکدیگر به رقابت برخاسته اند.

**این گزارشات نمونه دیگری ست در ارتباط با این حقیقت که در طول ۲۰ سال گذشته برغم تمامی عربده های "ضد آمریکایی" جمهوری اسلامی از یکسو و "تهدیدات" شیطان بزرگ بر علیه رژیم جمهوری اسلامی به مثابه عضوی از "محور شر"، "رژیم تروریست پرور" و "حامی بنیاد گرایی" و "تروریسم" و علیرغم همه تحریم ها و ادعا های تحریم جمهوری اسلامی، روابط حسنه اقتصادی بین این رژیم و امپریالیستها و امپریالیسم آمریکا وجود داشته و دولت آمریکا نه تنها اعتبارات مالی لازمه برای شرکتهای آمریکایی و غیر آمریکایی را بمنظور غارت منابع انرژی در ایران فراهم می کرده است، بلکه ماشین سرکوب این رژیم را بطور مستقیم و غیر مستقیم هر چه بیشتر تجهیز و مسلح نموده است.**

آنچه در فوق آمد، ماهیت واقعی تبلیغات امپریالیستها در رابطه با تحریم جمهوری اسلامی را به آشکاری در مقابل دید همگان قرار داده و نشان می دهد که در رابطه جمهوری اسلامی با امپریالیستها به هیچ وجه نباید به آنچه طرفین می گویند اتکاء کرد بلکه باید دید که آنها در عمل چه می کنند و چگونه همه جا دست در دست هم بر ضد کارگران و مردم ستمدیده ایران و منطقه گام بر می دارند.



# "به نفس افتادن" صنایع و تشدید تعرض به کارگران!

یکی از خصوصیات شرایط کنونی در جامعه ما گسترش اعتراضات کارگری می باشد. در واقع روزی نیست که کارگران کارخانه ای در اعتراض به عدم رسیدگی کارفرمایان و دولت به خواست هایشان، دست به اعتصاب و یا تجمع اعتراضی زنند. با تشدید بحران اقتصادی و زیاده خواهی های بورژوازی انگل صفت حاکم و تلاش آنها جهت سرشکن کردن بار هر چه بیشتر مصائب بحران بر دوش کارگران، ما شاهد، تعطیلی روز افزون واحد های تولیدی، گسترش اخراج و بیکاری و در یک کلام شاهد تشدید یورش بورژوازی حاکم به زندگی و معاش طبقه کارگر ایران هستیم. در تایید این روند و برای ذکر یک مثال می توان به اظهارات رئیس هیات مدیره سندیکای تولیدکنندگان تجهیزات برقی صنعت برق ایران اشاره کرد که اخیراً مطرح نمود که تنها در یک مورد به دلیل تعطیلی ۳ کارخانه و از جمله کارخانه "آونگان"، یک ماه مانده به آغاز سال جدید، ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کارگر از کار بیکار شده اند. بنا به اظهارات یکی از مقامات استان کردستان نیز "در حال حاضر از مجموع ۱۵۰ واحد فعال در شهرک صنعتی سنندج حدود ۶۰ واحد تعطیل شده اند و روند تعطیلی واحدهای صنعتی و همچنین تعدیل نیرو همچنان ادامه دارد". شدت وخامت اوضاع در صنایع کشور به گونه ای است که بنا به اعترافات مقامات رژیم در ماه های اخیر صنعت "به سختی نفس می کشد"

تحت تاثیر چنین شرایطی، کارخانه های کشور بطور طبیعی بیش از گذشته صحنه اعتراض کارگران شده است و در این میان اعتراض جهت دریافت دستمزد های معوقه نقش اصلی را یافته که خود بیانگر این واقعیت است که بورژوازی ایران حتی از پرداخت حقوق رسماً پذیرفته شده کارگران نیز سر باز می زند. از میان نمونه های بسیار که حتی در مطبوعات خود رژیم هم منعکس شده است، در زیر به چند مورد اشاره می کنیم که همگی جدیداً رخ داده اند.

این امر در حالیکه نشان می دهد که توازن قوای طبقاتی موجود به هیچ وجه به نفع کارگران نمی باشد، در همان حال این واقعیت را نیز برملا می سازد که کارگران اگر خواهان رسیدن به خواسته هایشان هستند چاره ای جز مبارزه و اعتراض در پیش ندارند. در عین حال، در جریان همین اعتراضات میباید که کارگران به قدرت یگانگی خود پی برده و در می یابند که بدون تشکیل قادر به رسیدن به خواسته های خود نیستند. اما گام برداشتن در راه تشکیل بروشنی به آنها می آموزد که مانع اصلی پراکندگی صفوف اعتراض آنها ماشین دولتی سرکوبگری است که با توسل به زور و شکنجه و زندان هیچ حد از تشکل مستقل کارگری را بر نمی تابد و به همین دلیل هم مبارزات طبقه کارگر باید سرنگونی این دیکتاتوری لجام گسیخته را آماج مبارزات خود قرار دهد. در چنین شرایطی تبلیغات فریبکارانه ای که در تلاش است به کارگران چنین وانمود نماید که در چهارچوب این دیکتاتوری وحشیانه به مثابه عامل اصلی حفظ سلطه سرمایه داران انگل صفت، امکان رسیدن به خواسته های اصلی آنها وجود دارد، رنگ می بازد.

به گزارش اینلنا که یکی از خبرگزاری های جمهوری اسلامی است در ۱۳ اسفند ماه تعدادی از کارگران **کارخانه سیمین اصفهان** به دلیل عدم دریافت حقوق، روبروی استانداری این شهر دست به یک **تجمع اعتراضی** زدند که با دخالت نیروی انتظامی کارگران معترض اجباراً پراکنده گردیدند. باز هم در اصفهان از آنجا که بیش از ۲۰۰ کارگر **شرکت متک** ۷ ماه است که حقوق نگرفته اند و کارفرما تاکنون به هیچ یک از وعده های خود مبنی بر پرداخت حقوق کارگران اقدام نکرده است کارگران معترض در دفتر این شرکت در سه راه توحید اصفهان دست به یک **تجمع اعتراضی** زدند تا کارفرما را مجبور به پرداخت حقوق های معوقه خود نمایند. و یا در در اوائل اسفند ماه، ۲۵۰ نفر از کارگران **شرکت چینی البرز** در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه حقوق خود یک تجمع اعتراضی بر پا نموده و **جاده قزوین به شهرک صنعتی البرز را بیش از یک ساعت بستند** که با دخالت نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی اجباراً پراکنده شدند.

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

آدرس پست الکترونیک: [ipfq@hotmail.com](mailto:ipfq@hotmail.com)

**پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!**

